

یادی و یادداشتی از

اینووئه نهایچی

دوست ایران و زبان فارسی

هاشم رجبزاده



شادروان نهایچی اینووئه

زمستان ۱۳۵۲ که برای کار رسمی به توکیو آمدم با زنده‌یاد اینووئه نهایچی Inove Eiji آشنا شدم. گرداننده اصلی کارهای ایران در وزارت خارجه ژاپن بود، و چون امور فرهنگی را هم در سفارت ایران داشتم هفته‌ای یکبار با هم ناهار می‌خوردیم. دبیر انجمن دوستی ایران و ژاپن هم می‌آمد. هر جا که نام ایران بود، اینووئه هم بود. در پذیرائیه‌ها و مناسبت‌های رسمی سخنرانیها را به فارسی و ژاپنی ترجمه می‌کرد. در گفتار فارسی بهتر از او کسی را میان ژاپونیان سراغ نداشتم. در محفل‌های اداری از اطلاع و تجربه وسیعش بهره می‌بردم و در دیدارها و مهمانیهای دوستانه معاشری دلپذیر بود. گهگاه به خانه‌ام می‌آمد و نقل و خاطره می‌گفت. دهانش گرم می‌شد و ساعت را فراموش می‌کردیم تا که یکباره یادش می‌آمد که حرکت آخرین ترن نزدیک است و می‌دوید. تصنیف‌های قدیم رایج در تهران را، مانند آنها که در اوایل کار رادیو با آواز بدیع‌زاده پخش می‌شد، در یاد داشت و می‌خواند. چندسالی بعد که برای تدریس باز به ژاپن آمدم، دوره کارش در وزارت خارجه به سر آمده اما پیوندش را با ایران نگهداشته بود. کار انجمن دوستی ایران و ژاپن را می‌گرداند، در رشته ایرانشناسی تدریس می‌کرد، و با همه کهنسالی و ناتوانی هیچ فرصتی را برای تازه کردن دیدار ایران از دست نمی‌داد. در همان سالها به مناسبت مقاله‌ای در باره لفظ «ادب» و ریشه فارسی آن که برای مجله آینده گزارش شد، استاد زنده یاد محمد محیط طباطبایی برام نوشت که در سالهای معلمی خود در دارالفنون شاگردی ژاپنی داشته که خود را منوچهر نام داده بود و ادبیات فارسی می‌خواند، و خواسته بود که بر رسم و بیابم که او به کجا رسیده و چه خدمتی به فرهنگ ایران

کرده است. دوستان ژاپنی گفتند که منوچهر همان اینووه بود، اما نتوانستم پیام استاد محیط را به شاگرد ژاپنی برسانم. اینووه چند ماهی پیش درگذشته بود.

اینووه پس از دارالفنون درس فارسی و مطالعه احوال ایران را در دانشکده حقوق تهران و سپس در دانشگاه اصفهان دنبال کرد. ایران را مانند کشورش خوب می‌شناخت. چند سالی کار وزارت خارجه را رها کرد به شرکت نفتی ایده‌میتسو پیوست. این همان شرکت ژاپنی بود که در گرماگرم ملی شدن نفت و بحران نافرورش ماندن آن در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق با همه کارشکنی‌های انگلیس و خطر حمله ناوگان این دولت، نفتکش به آبادان فرستاد و از ایران نفت خرید. اینووه بارها از سوی وزارت خارجه ژاپن و ایده‌میتسو در ایران و چندی هم در افغانستان مأموریت یافت. به تحقیق و تتبع هم علاقه داشت. در سالهای پایانی عمرش او را در گرده‌مائیهای شرقشناسی و ایرانشناسی ژاپن می‌دیدم، و هر بار در باره موضوعی و نکته‌ای از تاریخ معاصر ایران یا افغانستان صحبت می‌داشتیم. در این سالها در دانشگاه معتبر توءکای هم که استاد آشی‌کاگا آتسوایجی ایرانشناس نامور ژاپنی پیشتر در آنجا کرسی تدریس داشت، زبان فارسی و فرهنگ ایران درس می‌داد. مقاله‌هایی هم از او در نشریه‌های ایرانشناسی، بویژه در ماهنامه انجمن دوستی ایران و ژاپن منتشر می‌شد.

اینووه با دلبستگی‌ای که به ایران داشت وصیت کرده بود که بخشی از خاکستر استخوانهایش را پس از مرگ (که جسد را به رسم ژاپونیان می‌سوزانند) در ایران به خاک بسپارند تا خود را میان دو وطنی که به هر دو عشق می‌ورزید دو نیمه کرده باشد. به این وصیت او رفتار شد و بخشی از خاکسترش را فرزندش ماسویوکی به ایران آورده بود در گورستان ژاپونیان به خاک سپردند (۲۶ مرداد ۱۳۶۵).

یادداشت‌های روانشاد اینووه نه ایچی در کتابی به همت پسرش اینووه ماسایوکی، که با فارسی خوب آشنا است و از صاحب‌منصبان وزارت فرهنگ ژاپن، در سال ۱۹۸۶ در توکیو منتشر شد، که نسخه‌ای هم از راه لطف برای من فرستاد. فهرست مطالب این کتاب را در زیر می‌آورم و پس از آن ترجمه یکی از فصلهای خواندنی آن را که شرح سفر زنده‌یاد اینووه همراه با آشی‌کاگا آتسوایجی ایرانشناس ژاپنی و کیشیدا آکی هیتو به اصفهان و یزد است در پاییز سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴). آشی‌کاگا برای شرکت در جشن هزاره فردوسی به ایران آمده و کیشیدا، دوست آشی‌کاگا، پزشک سفارت ژاپن در تهران و علاقمند به تحقیق تاریخی بود. اینووه در آن سال تازه به ایران آمده بود و در دارالفنون فارسی می‌خواند.

از ی. نی. نی. یا برای یاریش در ترجمه این فصل از کتاب اینووه سپاسگزارم. ترجمه همه یادداشت‌های چاپ شده اینووه به همت دانشجویان بخش ایرانشناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا آماده می‌شود و امید است که در دسترس خوانندگان فارسی‌زبان درآید.

فهرست یادداشت‌های روانشاد اینووه نه ایچی که در کتابی با نام «واگا - کایسوه - نو - ایران»

(خاطره‌هایم از ایران) بکوشش فرزندش اینووه ماسایوکی چاپ شده است (نشر مؤلف توکیو،

۱۹۸۶)

صفحه	پیشگفتار از: اینووه ماسایوکی
۱	انگیزه فراهم آوردن کتاب بهره یکم: یادداشت‌ها
۱۱	(۱) انگیزه‌ام در رفتن به ایران
۲۴	(۲) کار در وزارت خارجه ژاپن و سه سال مأموریت، فرصت فارسی آموختن در ایران
۳۲	(۳) عزیمت از ژاپن به ایران
۴۰	(۴) ورود به ایران
۴۸	(۵) رسیدنم به تهران
۵۳	(۶) اقامت گرفتن پیش خانواده ایرانی
۵۸	(۷) وضع داخلی و خارجی ایران هنگام اقامتم در تهران
۶۰	(۸) زندگی در میان خانواده ایرانی
۷۰	(۹) خواندن زبان فارسی در دبیرستان دارالفنون
۷۶	(۱۰) سفر به جنوب ایران با استاد آشی کاگا جون (آتسواوچی) و دکتر کیشیدا
۹۲	(۱۱) خواهر شاه
۹۹	(۱۲) نوروز ایران
۱۰۴	(۱۳) سفر در ایران
۱۲۸	(۱۴) شرکت آزاد در کلاس دانشگاه تهران
۱۴۵	(۱۵) سفر به جنوب غرب ایران (خرمشهر)
۱۶۶	(۱۶) رفتن به بغداد برای استقبال از استاد گاموئه رنجی (اینووه در دانشگاه مطالعات خارجی توکیو پیش از زبان هندی خوانده بود)
۱۸۸	(۱۷) آخرین خاطره از تهران (با ایشی نی، مربی جودو)
۱۹۳	(۱۸) بازگشت از ایران
۱۹۸	(۱۹) دیدار دوباره از ایران
۲۰۹	(۲۰) مأموریتم در افغانستان
۲۱۵	(۲۱) یازده سال قنوت در روابط ایران و ژاپن
۲۲۳	(۲۲) من و (شرکت نفتی) ایده میتسو
۲۳۳	(۲۳) مرگ استاد یاماساکی تاداشی در ایران (دانشیار دانشگاه تن ری ژاپن که برای مطالعه تاریخ مغول به ایران آمده بود)

۲۴) یاز رفتنم از ایده میستو به وزارت خارجی

۲۳۹

بهره دوم: ایران: گذشته و حال

۲۴۴

۱) سفر به ایران پس از انقلاب اسلامی

۲۵۳

۲) ایران، چهار سال پس از انقلاب اسلامی

۲۵۶

۳) ایران، پنج سال پس از انقلاب اسلامی

بهره سوم: گزارشها (مقاله‌ها) در تاریخ ایران و قومیت ایرانیان

۲۶۴

۱) فرهنگ ایران: حفظ سنت فرهنگی، و فرهنگ چند قومی

۲۶۸

۲) وضع جغرافیایی ایران و زبان فارسی

۲۶۹

۳) معارضه انگلیس و روس بر سر ایران

۲۷۰

۴) قانون اساسی ایران و تقدس اصول اسلامی

۲۷۵

۵) ایران، میدان جنگ جهانی اول

۲۸۰

بهره چهارم: روابط ایران و ژاپن در دوره میجی (۱۸۶۸ تا ۱۹۱۲)

۲۹۵

پیوست‌ها:

۲۹۶

- یاد و یادگار پدرم، نوشته اینووه ماسایوکی

۲۹۹

- تقویم تاریخی ایران

۳۰۲

- زندگی اینووه نه ایچی در یک نگاه، نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳۰۴

- زندگی اینووه ماسایوکی در یک نگاه

پرتال جامع علوم انسانی